

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نژدی، دامت برکاته

دوره ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه اوّل - دوشنبه ۹۱/۷/۳

ادلّه ی احتیاط

جمع کثیری از علمای شیعه مخصوصاً در برهه‌ای از زمان، قائل به لزوم احتیاط در شبهات حکمیّه‌ی تحریمیّه بودند. امروزه نیز در گوشه و کنار گاهی کسانی وجود دارند که همچنان طرفدار این نظریه هستند. به عنوان مثال وقتی ندانیم که شرب تنن (تدخین) حرام است یا خیر، اینان قائلند هر کجا منشأ شک فقدان یا اجمال نص و یا تعارض نصّین بود باید احتیاط کرد، بلکه نادری از اخباریون قائل به لزوم احتیاط در شبهات حکمیّه‌ی وجوبیه نیز شده‌اند. این عدّه که معمولاً از آنان به عنوان اخباریون یاد می‌شود برای اثبات این نظر به کتاب و سنّت و عقل تمسک جسته‌اند.

تمسک به کتاب در لزوم احتیاط

۱- آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾

﴿با دستان خود، خود را به هلاکت نیندازید﴾.

نحوه‌ی استدلال

ورود در شبهه، اعمّ از تحریمیّه یا وجوبیه، ورود در مهلکه است. برخی از آنها به دلیل قطعی خارج شده است مانند شبهات وجوبیه یا شبهات موضوعیه، اما شبهات تحریمیّه تحت این نهی باقی می‌ماند و منهی است.

نقد و بررسی تمسک به آیه‌ی ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾

اولاً: پاسخ این استدلال کاملاً روشن است؛ زیرا این نهی متعلق به القاء در تهلکه است (خود را در هلاکت افکندن) یعنی ابتدا باید هلاکت مفروغٌ عنها باشد تا گفته شود افکندن در آن حرام است. اما آیا ارتکاب مشتبّه هلاکت است؟ این اوّل کلام است که آیا ارتکاب مشتبّه وقوع در هلاکت است یا خیر؟ و اگر وقوع در هلاکت نباشد این نهی شامل آن نمی‌شود و هیچ خطابی موضوع خود را اثبات نمی‌کند، مگر متکلمی عنایت خاصی به تحقّق موضوع با خطاب داشته باشد و آلا به صورت عادی خطاب موضوع خود را درست نمی‌کند و موضوع باید از جای دیگر احراز شود.

اما تهلکه چیست؟ آیا ارتکاب مشتبّه تهلکه است؟

می‌دانیم ارتکاب حرام، تهلکه است اما نمی‌دانیم ارتکاب مشتبّه تهلکه است.

ثانیاً: این آیهی شریفه نهی تحریمی نیست بلکه ارشادی است، نظیر اینکه گفته شود «خود را گرفتار جهنم نکن»، روشن است چنین نهی ارشادی است. نهی مولوی مانند نهی از شرب خمر یا کذب و یا ... است؛ زیرا سرنوشت آنها جهنم است، اما اینکه گفته شود «خود را جهنمی نکنید» چه سرنوشتی دارد؟ آیا می‌توان گفت سرنوشت مخالفت با این خطاب نیز جهنمی شدن است و هلمّ جرا فیتسلسل ...؟! اساساً هرگاه از یک امر یا نهی دور یا تسلسل لازم آید آن نهی ارشادی خواهد بود نه مولوی.

﴿وَلَا تُلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ نظیر نهی از جهنمی شدن است و لذا ارشادی است، بنابراین همان چیزی است که عقل می‌فهمد. عقل می‌گوید نمی‌دانم ورود در شبهات مساوی تهلکه و جهنم است یا خیر و باید ادله بررسی شود: اگر مؤمن وجود داشت تهلکه نخواهد بود و اگر مؤمن وجود نداشت تهلکه خواهد بود.

ثالثاً: برخی گفته‌اند مراد از تهلکه، عقاب اخروی نمی‌باشد بلکه آنچنان که از سیاق آیه به دست می‌آید مراد تهلکه دنیوی است که به موارد خاصی مربوط است؛ زیرا قبل از این آیه خداوند امر به انفاق کرده است، معنایش آن است که اگر انفاق نکنید مثلاً مردمان بدبخت و بیچاره که درمانده شده‌اند زندگی شما را نیز تباه می‌کنند، پس با این انفاق خود را از تهلکه نجات دهید، یا آنکه در انفاق زیاده‌روی نکنید و خود را فاقد هر مالی نکنید که این هلاکت است.

بعضی نیز فرموده‌اند که مراد از تهلکه همان کشتن و خودکشی است؛ یعنی «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ». در واقع آیه می‌فرماید خودکشی حرام است ولو با تسبیب، لذا ربطی به سایر موضوعات از جمله شبهه‌ها ندارد. در هر حال این آیهی شریفه دلالتی به نفع نظریه‌ی اخباریون ندارد.

مقرر: سيد حامد طاهري